

تعقیب و طرح دعوا در امور کیفری

مؤلف

سعید مرادی

انتشارات قانون یار

خلاصه فهرست مطالب

پیشگفتار

فصل اول

تعاریف مبانی و مفاهیم

فصل دوم

اقدامات تعقیبی و جهات آن در قانون آیین
دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

منابع و مآخذ

الف) کتاب ها

ب) منابع خارجی

پ) مقالات

پیش گفتار

نظام دادرسی و دادستانی یکی از دستاوردهای ارزشمند نظام قضایی ایران است که ریشه در قانون اساسی دارد. این نهاد با توجه به نص صریح قانون، به ریاست دادستان عهده دار انجام وظایف قانونی خود طبق ماده ۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب می باشد با توجه به اینکه یکی از وظایفی که طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، برای قوه قضاییه تعریف شده؛ کشف جرم و تعقیب و مجازات مجرمین میباشد بنابراین ثمره تحقق صحیح اصل فوق، سالم

سازی جامعه و تأمین امنیت عمومی و احیای حقوق عامه و گسترش عدل خواهد بود. نهاد دادسرا با محوریت دادستان بهترین و کارآمدترین نهاد جهت تأمین و سالم سازی جامعه از طریق اعمال اینگونه سیاست ها است، چراکه در قانون اساسی ۱۵۰ حق برای مردم ذکر شده است، و در بخش مربوط به قوه قضاییه، احقاق حقوق عامه از وظایف دستگاه قضایی است و دادستان ها حامی این حقوق مهم و جامع میباشند، چرا که در اجتماع اعمالی از سوی برخی افراد سر می زند که نظم و امنیت جامعه را بر هم زده و در مواردی نیز حقوق اشخاص

دیگر را تضييع می نماید، از آنجا که سیستم قضایی حافظ منافع جامعه است دادسراها به نمایندگی از جامعه ، اقدام به کشف جرم و تعقیب متهم و جمع آوری دلایل نموده تا حقوق افراد جامعه محفوظ و نظم و امنیت قضایی و اجتماعی حاصل گردد. هدف واقعی آن برقراری نظم و اجرای عدالت و تنظیم روابط منطقی، انسانی و عادلانه میان افراد است^۱. در هر کجا که نقض حقوق عمومی صورت بگیرد، دادستان به عنوان مدعی العموم وارد عمل می

۱ گلدوزیان ، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، انتشارات دانشگاه

شود تا از تضييع حقوق مردم جلوگیری نماید .
در این راستا می توان گفت، دادستانها و دادسراها
به عنوان يك نهاد قضایی و پرسنل قضایی و
اداری آن از سربازان خط مقدم جبهه تأمین
امنیت و اجرای عدالت می باشند، به دلیل اینکه
دادسرا به عنوان اصولی ترین محور توسعه و
اصلاحات قضایی، عامل عمده‌ای در راستای
رسیدگی دقیق قضایی و اجرای عدالت و احقاق
حق و سالم سازی اجتماع می باشد، در نتیجه
بخشی از این اهداف از طریق شناسایی وظایف و
اختیاراتی است که مقنن به آنان محول نموده
است. قانون آیین دادرسی کیفری جدید

اختیارات دادستان را در بخش تحقیق محدود
نموده است و مقام تعقیب به بازپرس سیر سپری
شده ای کلی را به عنوان مقام تعقیب به او اعطا
نموده است و وظیفه و اختیارات در مرحله کشف
جرم و تعقیب مجرم و دستگیری آنها همچنین
سایر اختیارات آنان در قانون آیین دادرسی
کیفری جدید ترسیم شده است. ما در این کتاب
در صدد پاسخ به سوالات ذیل خواهیم بود :

۱- اختیارات دادستان در تعقیب با توجه به

قانون جدید چه می باشد؟

۲- در بحث تعقیب اختیارات قضات تحقیق چه
مقداری می باشد؟ آیا قضات دادسرا در جرایم
عمومی همان اصول تعقیب و اختیارات در جرایم
کم اهمیت را دارا می باشند؟

۳- شروع به تعقیب در جرایم مشهود چگونه
است؟

از پیدایش دادستان ، به عنوان نهاد تعقیب
جرائم ، بیش از چند سده سپری نشده است. این
نهاد فرانسوی که بعد از انقلاب مشروطه وارد
سازمان قضایی کشور ایران شد ، ریشه های قرون
وسطایی دارد. این نهاد تا سال ۱۳۷۳ در نظام
قضایی ما پا برجا بود ولی در همین سال با

تصویب قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب حذف شد ولی بار دیگر در سال ۱۳۸۱ احیا شد. با توجه به گذشت ۱۵ سال از احیای دادرسی و دادستانی و تقریباً نوپا بودن این نهاد به دلایل ذیل ضرورت تحقیق حاضر از جانب بنده احساس شد :

۱- لزوم بحث و تمرکز بر جایگاه آن در این مقطع زمانی و بررسی وظایف و اختیارات دادستان از منظر قانون آئین دادرسی کیفری

۲- مقنن فصل تازه و جدیدی را به عنوان فصل سوم-وظایف و اختیارات دادستان را تدوین نموده است و با تفکیک بین مقام تعقیب و مقام تحقیق آنرا به عنوان یک اصل پذیرفته است و مانع از انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادستان شده است.^۱

۳- قانون جدید با الهام گرفتن از قانون دادرسی کیفری ۱۹۵۹ فرانسه حاوی نوآوریهای بسیاری در تشکیلات و سازمان قضایی، نهادهای دخیل در فرآیند کیفری و وظایف و اختیارات آنهاست

^۱ خالقی، علی (۱۳۹۴) آیین دادرسی کیفری، تهران، موسسه مطالعات و

و به جهت حساس بودن این نهاد در حقوق عامه مردم و نیز آنکه این نهاد بسیار مهم که اصل برائت و اصل حق داشتن مردم و حد داشتن دولت در اختیار اوست چنانچه از حد خود عدول نماید حقوق اساسی ملت را زیرپا گذاشته و حقوق و آزادیهای فردی را مخدوش می نماید. که این جهت پژوهش حاضر به آن می پردازد که خالی از فایده نخواهد بود.

پ) سوابق علمی این اثر

۱- کتاب آیین دادرسی کیفری دکتر خالقی
۱۳۹۴ انتشارات شهر دانش: که توسط موسسه

مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش به چاپ رسیده است موضوع جهات شروع به تعقیب را تا حدودی مورد بررسی قرار داده است. اهمیت این کتاب در آن است که دادسرا را به عنوان نماینده از طرف جامعه می داند و مکلف است به نمایندگی از جامعه در صورت وجود دلیلی بر تعقیب اقدام نماید و جامعه را نیز با قائل شدن جنبه عمومی برای جرم ، شریک در اعمال مجازات متخاطیان می داند و به آنها اجازه داده شده تا در اعمال مجازات مجرمان سهیم باشند.

۲- کتاب معکوس کردن بار اثبات دلیل در آیین دادرسی کیفری ، تهران، انتشارات مجد

تالیف جعفر موحدی ۱۳۹۳: این کتاب به این موضوع اشاره دارد که امروزه سیر تحول اقامه دعوی و شروع به تعقیب متفاوت شده است به گونه ای که در گذشته هر شخصی می توانست ادعای گناهکاری دیگری را نماید و علاوه بر اینکه مقامی جهت بررسی به صحت و سقم مدعی وجود نداشته موارد شروع به رسیدگی و تعقیب نیز نامشخص بوده است. اما امروزه با اعمال ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ وظایف و اختیاراتی برای مقام تعقیب کننده برشمرده است به گونه ای که جنبه

حصری دارد و دادستان موظف به تبعیت از آنهاست و نیز آنکه قواعد و اصول متشکل آن برگرفته از اندیشه ها و تفکرات خاص در طول تاریخ بشری بوده است.

۳- آیین دادرسی کیفری دکتر گلدوست جویباری ۱۳۹۴ انتشارات جنگل اشاره داشته و اهمیت این کتاب از این منظر است که بین وظایف و اختیارات دادستان تفاوت قائل شده است به گونه ای که این تفکیک بسیار مشکل است و با مداقه و ریزینی قابل فهم است، به گونه ای که برخی اقدامات دادستان به جهت حق الهی بودن آن، تکلیف و الزام دادستان است و او

حق اغماض و گذشت و صرفنظر کردن از تعقیب را نخواهد داشت اما در وظایف بجهت حق الناسی بودن به عنوان یک مقام قضایی وظیفه رسیدگی و تعقیب را دارد و در صورت امتناع از آن برابر مقررات ماده ۵۹۷ قانون مجازات بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ رفتار خواهد شد.

۴- بهرام ایمانی نژاد (۱۳۹۲) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان بررسی صلاحیت های اداری دادستان عمومی و انقلاب که در دانشگاه گرگان دفاع شده است ، بیان میدارد :از

لحاظ تاریخی سابقه دادسرا به قرن ۱۴ میلادی در فرانسه باز می گردد. در این دوره شاه در دادگاه نمایندگی داشت که وظیفه مشخص آنها دفاع از منافع شاه در دادگاه و نظارت در اجرای مجازاتها بود، مجازاتهایی که بسیاری از آنها جریمه های مالی بودند و به خزانه سلطنتی واریز شده، منبع درآمد پادشاه محسوب می شدند، بتدریج اختیارات این نمایندگان یا وکلای شاه افزایش یافت و صلاحیت رسمی شکایات در دادگاهها پیدا کردند. ۱.

۱ حمیدرضا پاکروان، بررسی وظایف و اختیارات دادستان در تحقق

دادرسی منصفانه، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد گران، ۱۳۹۵

۵- حمیدرضا پاکروان (۱۳۹۵) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود که در دانشگاه گرگان با عنوان ((بررسی وظایف و اختیارات دادستان در تحقیق دادرسی منصفانه)) دفاع شده است وظایف دادستان را مجموعه ای از اصول مهم در دادرسی منصفانه می داند که می تواند نظام دادسرا را باهماهنگی و عدالت خاصی روبرو سازد که در عدالت ورزی دستگاههای قضایی به خصوص دادسرا نقش مهمی را ایفا می کند.

۶- جمشید علی نژاد (۱۳۹۴) در پژوهش کارشناسی ارشد خود با موضوع ((بررسی

وظایف و اختیارات دادستان در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) که در دانشگاه گرگان دفاع شده است چنین اظهار می دارد: که قانون جدید با تصویب و ورود به عرصه اجرایی محاکم، نظم نوینی را در روابط مجریان، دستگاه عدالت کیفری و روابط آن ها با هم و حدود و اختیارات و صلاحیت های آن ها ایجاد نموده است. یکی از این اشخاص که از اهمیت ویژه ای برخوردار است، دادستان است که نسبت به قانون سال ۱۳۷۸، در حدود اختیارات و صلاحیت هایش گستردگی به چشم می خورد و ابتکارات جالبی نظیر حق نظارت و تعلیمات برای دادستان

مرکز استان بر سایر دادستانهای شهرستانهای استان به چشم می خورد.

۷- مقاله جایگاه نهاد تعقیب در حقوق کیفری ایران از افسانه جباری ۱۳۸۹ در این مقاله به این مهم می پردازد که شکایت شاکی، اعلام و اخبار ضابطین، اعلام نیروی انتظامی، اظهار و اقرار متهم ابتدا باید صحت و سقم قضیه ثابت گردد سپس به عنوان یکی از جهات شروع به تعقیب قرار گیرد و وظیفه و تکلیف دادستان بر آن بار شود. چنانچه دلایل را کافی دانست نسبت به احضار، جلب متهم، اخذ قرار تامین و ... از وی

اقدام نماید و نهایتاً در صورتی که وی مجرم باشد با صدور قرار کیفرخواست درخواست رسیدگی و مجازات را از دادگاه صالح تقاضا نماید.

ث) اهداف علمی این کتاب

احصاء دقیق وظایف و اختیارات دادستان جهت رفع برخی ابهامات و سردرگمی ها، بررسی انتقادی برخی اختیارات وی [دادستان] از منظر فلسفه وجودی این مقام و ارائه پیشنهادها در راستای اصلاح مقررات مربوطه از اهداف نگارنده هستند تا دادستان ضمن ایفای نقش خود به نحو مناسب از دخالت در اموری که خارج از شان تعقیبی وی هستند خودداری وزرد و ضمن

حفظ نظم اجتماعی و عمومی از طریق شناسایی و معرفی افراد خاطی به دستگاه قضایی از دخالت در جهت تهدید حقوق متهم پرهیز نماید.

سوالات پژوهش

سوال اصلی پژوهش

جهات شروع به تعقیب در آئین دادرسی کیفری چیست و چگونه پیش بینی شده است؟

سوال فرعی

آیا تحولاتی در زمینه وظایف و اختیارات دادستان در قانون جدید آئین دادرسی کیفری مورد پیش بینی مقنن قرار گرفته است؟

آیا برای تعقیب دعوی کیفری و عدول از آن ضمانت اجرایی پیش بینی شده است؟

چ) فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی : الف- به نظر میرسد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ موارد احصا شده ای را در مواد ۶۴ به بعد پیش بینی نموده است

فرضیه فرعی

الف- از جمله حق نظارت در تعقیب و تحقیق و
ارائه تعلیمات به بازپرس و دیگر مقامات و
تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق مورد پیش
بینی مقنن قرار گرفته است.

ب- به نظر می رسد مواردی چون عدم امکان
شروع به تعقیب و محکومیت های انتظامی تا
درجه چهار و معتبر نبودن آن توسط قانونگذار
پیش بینی گردیده است .

فصل اول

تعاریف مبانی و مفاهیم

مبحث اول: مبانی دادسرا

از لحاظ تاریخی ، سابقه دادسرا به قرن چهاردهم میلادی در فرانسه باز می گردد. در این دوران شاه در دادگاه ها نمایندگان داشت که وظیفه مشخص آنها دفاع از منافع شاه در دادگاه و نظارت بر اجرای مجازات ها بود ، مجازاتهایی که بسیاری از آنها جریمه های مالی بودند و به خزانه سلطنتی واریز شده ، منبع در آمد پادشاه محسوب می شدند. به تدریج به اختیارات این نمایندگان یا وکلای شاه افزایش یافت و

صلاحیت طرح رسمی و شکایات در دادگاه را پیدا کردند. بدین ترتیب، از اجتماع این نمایندگان شاه، هسته اولیه دادسرا شکل گرفت. ایجاد امنیت و آرامش در جامعه از طریق به کیفر رسانیدن بزهکاران یا اعمال تدابیر تامینی و تربیتی درباره آنان، برعهده قدرت عمومی که از آن به دولت تعبیر می شود، نهاد شده است. با اینهمه، در عصر حاضر واکنش جامعه نسبت به بزه و بزهکار، غریزی، خودسرانه و ناسنجیده نیست. نه فقط

۱ خالقی، علی، آئین دادرسی کیفری، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش

مجازات‌ها باید مفید، موثر و متناسب با جرم باشند، بلکه اعمال آنها بر بزه‌کار نیز باید از طریق اقامه دعوا علیه او و رعایت قواعد و ضوابط خاصی، به منظور رعایت اصل برائت صورت پذیرد. به عبارت دیگر برای اجتناب از سوء استفاده احتمالی قدرت عمومی از یک سو و رعایت اصل بی‌گناهی متهم و پیشگیری از اشتباهات قضایی از سوی دیگر، بین مرحله ارتکاب جرم حتی در جرائم مشهود و اعمال مجازات، اقامه دعوا بر متهم و رسیدگی کیفری در معنای وسیع آن امری ضروری است.^۱

وقوع هر جرمی در هر اجتماعی امری اجتنابی
ناپذیر است، چه اینکه ادعای جامعه عاری از بزه
و بزهکاری، تخیلی بیش نیست. از سوی دیگر از
وظایف اولیه هر حکومتی برقراری نظم و امنیت
در جامعه است. در این راستا تعقیب مرتکب جرم
همواره یکی از مراحل حساس و مهم دادرسی
کیفری در هر سیستم حقوقی می باشد. از این
منظر تعقیب به عنوان نقطه آغاز رسیدگی کیفری
از اهمیت فراوانی برخوردار است. بدین جهت
انجام این امر خطیر در اکثر کشورها به عهده

نهادی به نام دادسرا است که در راس آن دادستان قرار دارد. دادسرا، حلقه‌ی اتصال سیاست اجرایی جنایی (پلیس) و سیاست اجرایی قضایی (دادگاه) است. در امور مدنی اصولاً دادسرا وجود ندارد، اما در امور کیفری به دلیل حساسیت‌های موجود نظام دادسرایی پیش‌بینی شده

است. ۱. و جمع آوری دلایل و مدیریت قضایی پرونده در ابتدا بر عهده دادستان است.^۲

گفتار اول: تاریخچه پیدایش دادسرا

دادسرا سازمان و اداره‌ای است که وظیفه آن حفظ حقوق عامه، نظارت بر حسن اجرای قوانین و تعقیب کیفری بزهکاران و مجرمین می‌باشد. این نهاد علاوه بر امور کیفری در امور حقوقی،

۱. امیری، پیشین، صص ۲۴۰-۲۳۹

۲. کوشکی، غلامحسین، بررسی اختیارات و وظایف دادستان در آیین دادرسی کیفری، ایران و فرانسه، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۳۰

امور حسبی و در امور اداری هم وظایف خاص و ویژه خود را در چهارچوب قوانین موضوعه بعهدہ دارد. برای بررسی حدود اختیارات دادستان لازم است قدری در مورد سوابق و تحولات تاریخی آن اطلاعاتی داشته باشیم تشکیل دادسرا به عنوان نهاد تعقیب در جرایم به قرن چهارده میلادی در فرانسه بر میگردد. که بعد از انقلاب مشروطه وارد سازمان قضایی و کیفری ما شده که ریشه‌هایی در قرون وسطی دارد که کم کم دستخوش تغییر و تحولاتی شده است در قرون وسطی در اروپا، افرادی به نام «اووکا»^۱ یا

^۱ avocat

«پروکورور»^۱ به نیابت از سوی سلاطین و برای دفاع از منافع آنان (به ویژه منافع مالیاتی، چون کیفرها بیشتر جنبه مالی داشت و عوایدش روانه، خزانه می‌شد). در دادگاهها شرکت می‌جستند که واژه «پارکه» که در حال حاضر در فرانسه در معنای دادرسی استعمال می‌شود. یادگار آن دوران است و چون این نمایندگان سلاطین به صورت ایستاده صحبت

^۱ Pouvreur

می‌کردند قضات دادسرا «قضات ایستاده» نام گرفته‌اند.^۱

در ایران منشأ تأسیس این نهاد قضایی به سال ۱۳۲۵ هجری قمری بر می‌گردد که به تأسی از فرهنگ غربی و به تقلید از کشور فرانسه و همزمان با استقرار نظام حکومتی مشروطه سلطنتی در تشکیلات قضایی ایران بوجود آمد. به عبارتی دادسرا قبل از مشروطیت در ایران وجود نداشت. لکن بعد از مشروطیت نهاد دادسرا در ایران مستقر شد که اصل هشتاد و سوم قانون اساسی

^۱ آشوری، محمد، آئین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات سمت،

سال ۱۲۸۵ شمسی آن را با ترجمه اصل ۱۰۱ قانون اساسی بلژیک که آن هم از فرانسه اقتباس شده بود چنین بیان کرده است: «تعیین شخص مدعی العموم با تصویب حاکم شرع بر عهده پادشاه است». بدین ترتیب دادسرا در نظام حقوقی کشور ما وارد گردید. بموجب ماده ۴۹ قانون اصول تشکیلات عدلیه، مصوب ۱۳۰۷ شمسی (۱۳۲۹ قمری) سازمان دادسرا معین شده و باب دوم آن قانون به تشکیل اداره مدعیان عمومی (از ماده ۱۰۷ تا ۱۴۱) اختصاص یافته است از جمله ماده ۱۰۸ آن قانون مقرر می‌داشت؛

«مدعیان عمومی عبارتند از هیأتی از رؤسا و ضابطین عدلیه که در موارد مقررہ قانون در محاکم عدلیه حاضر بوده، وظایف خود را نسبت به نظر حقوق عامه و نظارت بر اجرای قوانین انجام می دهند.» تشکیلات دادسرا، قبل از انقلاب اسلامی عبارت بود از دادسرای دیوان عالی کشور، دادسرای دادگاه استان و دادسرای دادگاه شهرستان که مجموعاً زیر نظر دادستان کل کشور قرار داشتند. پس از انقلاب اسلامی ایران و پایه ریزی سیستم دادرسی اسلامی با اجرای

لایحه قانونی تشکیل دادگاههای عمومی مصوب
۱۳۵۸ دادرای استیناف (استان) منحل شد (برابر
ماده ۸ لایحه قانون تشکیل دادگاههای عمومی
مصوب شهریور ۱۳۵۸ دادرای استان حذف و
وظایفش برعهده دادرای شهرستان محول شده) و
از لیست دادرای عمومی حذف گردید با
تصویب قانون اصلاح موادی از قانون آیین
دادرسی کیفری مصوب ۱۳۶۱/۶/۶ عنوان
«دادرای شهرستان» به «دادرای عمومی» تغییر
نام یافت. البته در ۱۳۸۱/۷/۲۸ قانون اصلاح
پاره‌ای از مواد قانون تشکیل دادگاههای عمومی و

انقلاب مجدداً دادگاه استان و دادسرای آن احیا
گردید. البته باید توجه داشت قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران، اشاره صریحی به دادسرا
ندارد. بعد از انقلاب اسلامی سازمان قضایی ایران
دچار تحولاتی شده است که این تحولات در
محاکم و صلاحیت ها رخ داده است و هر کدام
با تغییرات در ساختار نظام قضایی و جابجایی و
نقل و انتقال قضات توأم بوده است. ۱. اما در اصل
یکصد و شصت و دوم آمده است که دادستان
کل باید مجتهد عادل... برای مدت پنج سال به

۱مرتضوی، سعید، آیین دادرسی کیفری، تهران، مرکز انتشارات علمی

این سمت منصوب می‌کند از طرف دیگر اصل
هفتاد و دوم در پی بیان صلاحیت دادگاههای
نظام اعلام میدارد «دادستانی و دادگاههای نظامی
بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول
مربوط به این قوه هستند» (مجموعه قوانین
اساسی، مدنی اصل ۱۷۲) بدین ترتیب، علاوه بر
ارتباطی که بین وظایف یاد شده و تشکیلات
شناخته شده دادسرا مشاهده میشود. عناوین
مذکور در قانون اساسی (دادستان کل و
دادستانی) را نیز می‌توان قرینه اساسی مبنی بر
قبول دادسرا در سیستم قضایی جمهوری اسلامی

ایران دانست که دادستان در رأس آن برای حفظ حقوق عمومی انجام وظیفه می کند.^۱

گفتار دوم: سابقه و نقش سیستم‌های مختلف دادرسی

در زمینه اندیشه‌های کیفری، دوره‌های متعددی بر حقوق غرب گذشته و مکاتب مختلفی در عرصه اندیشه و قانونگذاری کیفری منشا اثر بوده‌اند و حتی می‌توان گفت که آموزه‌های کیفری موجود یادگار ارزشمند گذشته می‌باشد. برای بررسی سابقه تاریخی دادسرا و آگاهی از

نظریات مختلف در زمینه اختیارات قاضی در
صدد بیان منظم مطالب پراکنده اندیشمندان
مکاتب مختلف هستیم و نظر به رابطه تنگاتنگ
مطالب حقوقی به بررسی اجمالی سابقه
سیستم‌های دادرسی می‌پردازیم.^۱

الف) سیستم اتهامی

ب) سیستم تفتیشی

ج) سیستم مختلط

بند اول : سیستم دادرسی
اتهامی

نظام اتهامی قدیمی‌ترین شیوه تاریخی و بسیار مهم دادرسی جزایی است، حرفه‌ای نبودن و فقدان مرجع خاص تعقیب جرایم، شفاهی، علمی و ترافعی بودن محاکمات و لزوم سکوت قاضی به عنوان داوری بی‌طرف و در نهایت صدور حکمی که قطعی است از مشخصات این روش دادرسی است.

دادرسی اتهامی در زمانهای گذشته تقریباً در کلیه کشورهای اروپایی معمول بود و می‌توان گفت که پایه و اساس این روش دادرسی بر قصاص و انتقام شخص مبتنی بوده است.

در یونان و روم قدیم دادرسی اتهامی بطور کامل مجری بوده است و بعدها به تدریج و با کم و بیش تغییر و تحولی در کشورهای آلمان، اتریش و در نهایت فرانسه وارد می شود. «در حال حاضر این سیستم بطور کامل و سنتی در هیچ کشوری اجرا نمی شود و حتی در انگلستان و بویژه از سال ۱۸۸۶ تعقیب جرایم به عهده مقام خاص با عنوان «اداره تعقیبات دولتی» یا «پلیس» و از سال ۱۹۸۵ بوسیله دادسرای عمومی است، محاکم کیفری به بالاتر، پایین تر و پایین تقسیم

شده‌اند و رسیدگی‌ها تنها در حضور هیئت منصفه و از طریق کیفر خواست می‌باشد.

یکی دیگر از مشخصات دادسرا اینست که قضات آن هیئت قضایی واحد غیر قابل تجزیه‌ای را تشکیل می‌دهند. بدین گونه که «قضاتی که در حوزه قضایی یک دادسرا ادای تکلیف می‌کنند هیأت واحدی را تشکیل می‌دهند به این معنی که هر یک از آنان به نام دادسرا انجام وظیفه می‌کنند. بنابراین، ممکن است در طول یک دادرسی، دادیاران متعددی در دادگاه از یک کیفرخواست دفاع کنند ولی این خصوصیت در بین قضات محکمه وجود ندارد. مثلاً در محاکم

جنایی ایران در سابق که سیستم تعدد قاضی حکمفرما بود و محاکمه ممکن بود چندین روز به طول انجامد چنانچه یکی از قضات به عللی قادر به ادامه شرکت در دادگاه نبوده پس از تعیین قاضی جدید محاکمه از سر گرفته می‌شد»^۱

صلاحیت این محاکم بر مبنای تقسیم بندی جدیدی از جرایم است که به ترتیب به «جرایم قابل محاکم با کیفر خواست»، «جرایم اقتصادی» و «جرایم قابل محاکمه با دو شیوه»

۱ ضرابی، غلامرضا، آیین دادرسی کیفری، انتشارات گنج دانش، چاپ

مشهورند. احکام دادگاههای «پائینی» و «بالا تر» قابل استیفاف و احکام دادگاههای «پایین تر» غیر قابل استیفاف هستند مگر با اجاره دادگاه استیفاف (قانون حقوق جزای مصوب ۱۹۷۷)». ^۱ در کشورهای امریکای شمالی، کانادا، استرالیا، افریقای جنوبی، نیجریه و فلسطین اشغالی و بسیاری از کشورهای مشترک المنافع بریتانیا این سیستم با تغییراتی اجرا می شود. ^۲

بند دوم : سیستم دادرسی تفتیشی

۱ کلازستون. س. م. و، تحلیل مبانی حقوق جزایی، ترجمه دکتر حسین میرمحمد صادقی (تهران: انتشارات جهاددانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی

از دیدگاه تاریخی نظام تفتیشی پس از نظام
اتهامی پدید آمده است و اگرچه در بسیاری از
کشورهای اروپایی به ویژه از قرن چهاردهم به
بعد، دادگاهها به این نظام متوسل شدند. ولی
سابقه تاریخی پیدایش آن را باید در عملکرد
دادگاههای یکسانی جستجو کرد. در حقیقت این
روش یک نوع دادرسی اتهامی معمول و عمومی
محاکمات کیفری به شمار می آمده است^۱ و برای
رفع اشکالات و معایب آن مورد توجه حقوقدانان

۳. دکتر محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات وزارت

و قانونگذاران واقع شد و برعکس سیستم دادرسی
اتهامی وجود مقام خاصی برای تعقیب، توجه به
جنبه عمومی جرم و غیر قابل گذشت بودن آن،
حرفه‌ای بودن امر قضا جایگزینی مدعی العموم
به جای زیان دیده و شرکت آنها در محاکمات و
سری و کتبی بودن محاکمات و وجود سیستم
ادله‌قانونی از ویژگیهای اصلی روش دادرسی
تفتیشی می‌باشد. در اوایل قرن ۱۳ میلادی پاپ
اینوسان سوم تصمیم به اجرای این روش
در دادگاههای مذهبی و کلیساها به منظور افزایش
اختیارات آنها گرفت و از این تاریخ
مقامات کلیسا به محض اطلاع از وقوع جرایم

مذهبی، راساً به تعقیب و محاکمه متهم
مبادرت می‌ورزیدند و به تدریج این روش،
محاکم غیر را نیز تحت تأثیر قرار داده و
طرفداران بسیار پیدا کرد به طوری که بطور
رسمی برای محاکمه در جرایم مهم از این روش
استفاده می‌شد. البته در کشور فرانسه ابتدا تعقیب
متهمین، از اختیارات قضات محاکم بود
که می‌توانستند تعقیب را ترک کنند اما بعد از
مدتی تعقیب به مقامات خاص تحت
عنوان «نمایندگان شاه» و سپس «وکلای عمومی»
و بالاخره «دادستان» واگذار شد.

این روش با تغییراتی به نفع متهم در کشور اسپانیا حاکم شد و هنوز هم هست و آیین دادرسی کیفری کشورهای پرتغال و برخی ممالک امریکای جنوبی مانند بلیوی، آرژانتین، مکزیک و ونزوئلا تحت تأثیر شدید این روش می‌باشد.^۱

بند سوم: سیستم دادرسی مختلط

در اواخر قرن هجدهم و تحت تأثیر نظریات فلسفی - اجتماعی و افکار انتقادی اساتید حقوق

۱ آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، ج ۱ - تهران انتشارات وزارت

جز او برای احتراز از معایب سیستم‌های اتهامی و تفتیشی و در عین حال استفاده معقول از محاسن هر دو سیستم، به تدریج روشی به وجود آمد که از دو سیستم متأثر می‌باشد و چون دانشمندان فرانسوی در ایجاد آن نقش مهمی داشتند و برای نخستین بار در این کشور به اجرا گذاشته شد، این روش را سیستم دادرسی فرانسوی نیز می‌نامند.

بر اساس این سیستم دادرسی در مرحله کشف و تحقیق از روش تفتیشی و در مرحله رسیدگی از روش اتهامی تبعیت می‌شود. در مرحله اول هم

تعقیب که از وظایف دادستان است و تحقیق که از وظایف بازپرس است تفکیک شده است.

دادرسی مختلط اولین بار به موجب ق.آ.د.ک سال ۱۸۰۸ فرانسه که از اول ژانویه ۱۸۱۰ اجرا شده پیش بینی گردیده و با اندک تحولات و تطبیق با مقتضیات داخلی تقریباً در اکثریت قریب به اتفاق کشورهای آسیایی، اروپایی، آفریقایی و امریکایی اجرا می شود.

البته در دو کشور آمریکا و انگلیس همانگونه که قبلاً اشاره شده سیستم اتهامی معمول است اما در عین حال تغییراتی مانند پیش بینی مقام خاصی برای تعقیب و نیز توجه خاص قضات محاکم به

حقوق متهم در مراحل مختلف تحقیق و محاکمه و لزوم حضور هیئت منصفه در محاکم برای دفاع از حقوق متهم در این روش ایجاد شده است.^۱ همچنین در این مرحله در برخی از کشورهای پیشرفته به دادستان اختیار بایگانی پرونده در جرایم بدون شاکی و کم اهمیت را با احراز شرایطی داده‌اند که به سیستم «متناسب بودن

تعقیب» یا قاعده «متناسب بودن تعقیب» مشهور است!^۱

تحولات جدید که سیستم دادرسی مختلط در مرحله تحقیقات به خود دیده است تأثیر پذیری شدید از سیستم دادرسی اتهامی است مانند نمونه آئین دادرسی جدید ایتالیا مصوب ۱۹۸۹ که در آن مقامی به نام «قاضی تحقیقات ابتدایی» تصمیمات دادستان را در مواردی کنترل می‌کند.

^۱ قانونگذاران ایران ابتدا از سیستم قانونی تبعیت می‌کرد اما برای اولین بار قانون تشکیل شرکت پست جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۶ در ماده ۲۲ به دادستان و قانون تشدید مجازات محترکان و گرانفروشان ۱۳۶۷ در ماده ۷ علاوه بر دادسرا به دادگاهها اجازه می‌دهد که با احراز شرایط مقرر از تعقیب عمومی جلوگیری و پرونده را بایگانی کنند.

همچنین در این مرحله در برخی از کشورهای پیشرفته به دادستان اختیار بایگانی پرونده در جرایم بدون شاکی و کم اهمیت را با احراز شرایطی داده‌اند که به سیستم «متناسب بودن تعقیب» یا قاعده «متناسب بودن تعقیب» مشهور است. (قانونگذاران ایران ابتدا از سیستم قانونی تبعیت می‌کرد اما برای اولین بار قانون تشکیل شرکت پست جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۶ در ماده ۲۲ به دادستان و قانون تشدید مجازات محترکان و گرانفروشان ۱۳۶۷ در ماده ۷ علاوه بر دادسرا به دادگاهها اجازه می‌دهد که

با احراز شرایط مقرر از تعقیب عمومی جلوگیری
و پرونده را بایگانی کنند.

در مرحله رسیدگی دادگاه هم از پیشرفتهای
علوم جنایی، جرم‌شناسی و سیاست
کیفری استفاده شده است که بازتاب آن در
حقوق انگلیس و آمریکا مشهود است.

علاوه بر این «تقطیع دادرسی» که ابتدا در نظام
آنگو ساکسون اعمال می‌شد در برخی کشورهای

تابع نظام مختلط مانند فرانسه به موجب قانون ۶
اوت ۱۹۷۵ پذیرفته شد.^۱

مبحث دوم: مبانی تحقیق و تعقیب

اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق
مقدمه رعایت بی طرفی است و نقض اصل
مذکور، ناقض رعایت اصل بی طرفی در
دادرسی خواهد بود. قائلین به این اصل، مهمترین

۱ آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری ج ۱، انتشارات سمت،

دلیل پیش بینی بازپرس را ناشی از این امر می دانند که وظایف خطیر تحقیق و قضاوت توسط نماینده ای بی طرف و نه فردی که مضمون به جانبداری است، انجام شود. دادستان مرجعی بی طرف نیست و بیم جانبداری از سوی او وجود دارد. چنانچه تحقیقات مقدماتی توسط دادستان و یا فردی که تحت نظر، کنترل و نفوذ دادستان است، انجام گیرد، دیگر نمی توان به رعایت بی طرفی امیدوار بود.

بطور کلی، اصل تفکیک وظایف قضایی که اعم از اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق می باشد، نقش مهمی در بی طرفی ایفا می کند. ۱

گفتار اول: مفهوم تحقیق و تعقیب

اصولاً در دادرسی مربوط به جرم از وجود مقام و نهادی به نام دادستان و دادسرا که حداقل نام و عنوان آن برای عموم مردم شناخته شده است سخن می رود. تعقیب دعوی عمومی وظیفه و

۱. هادی زاده، رضا، بررسی اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق در

نقش اصلی دادستان است وظایف دیگری که در قانون برعهده دادستان گذاشته شده است وظیفه اصلی او نیست. اصولاً وقتی از نقش دادستان علی‌الاطلاق سخن می‌رود منظور دادستان در نقشه تعقیبی است. و دادستان باید تا به انتها در کنار دیگر مراجع قضایی و بجهت مصلحت عمومی و حفظ حقوق فردی متهم و شاکی نقش خود را به خوبی ایفا کند. ۱ از طریق دعوای عمومی سرنوشت متهم از لحاظ کیفری اثباتا یا

اعلیپور، مسلم، نقش دادسرا در رسیدگی های کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

نفیاً مشخص میشود. هر چند در دعوای عمومی در مورد ادعای حقوقی شاکی خصوصی تصمیم گیری نمی شود ولی نمی توان ادعای حقوقی شاکی خصوصی و ضرر و زیان ادعایی وی را به کلی در روند تعقیب دعوای عمومی بی تأثیر دانست. ادادسرای منطبق بر موازین عدل و انصاف و معطوف به حقوق بشر و شهروندی

اناجی زواره، مرتضی، ۱۳۹۴، آشنایی با آیین دادرسی کیفری، دعوای

ناشی از جرم و تحقیقات مقدماتی، تهران، انتشارات خرسندی، ص ۵۶

، بازوی توانمند حاکمیت برای تحقق خیر عمومی و رضایت مندی شهروندان از نهاد قدرت است.^۱

تحقیق در مفهوم عام شامل هر اقدامی است که در جریان دادرسی کیفری در جهت کشف حقیقت و اجرای عدالت، از سوی مقام قضایی و ضابطان دادگستری انجام میشود. اما تحقیق در مفهوم خاص کلمه همان تحقیقات مقدماتی است که عمدتاً پس از انجام تحقیق از سوی دادستان توسط مقام تحقیق در دادسرا و بعضاً به طور مستقیم در دادگاه انجام می‌گیرد.

انقره کار، محمد صالح، دادستان در ترازوی حقوق بشر و

گفتار دوم: ویژگی های تحقیق

بند اول: کتبی بودن

با فراگیر شدن خواندن و نوشتن میان افراد بدیهی است که امروزه تحقیقات مقدماتی کتبی است و تقاضای تعقیب کیفری و هر گونه اقدامی که پس از آن صورت می گیرد به صورت مکتوب بوده و در پرونده مشخص تمامی این اقدامات و اظهارات شاکی و متهم مضبوط می گردد. ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد تحقیق از متهم می گوید: ((پاسخ پرسش ها باید بدون تغییر، تبدیل و تحریف نوشته شود و

پس از قرائت برای متهم به امضا یا اثر انگشت او
برسد. متهم باسواد خودش پاسخ را می نویسد
مگر آنکه نخواهد از این حق استفاده کند.)) مواد
۲۱۲ و ۱۱۵ همین قانون نیز دلالت بر کتبی بودن
این مرحله را دارند.^{۱۰}

اصل بر این است که تحقیقات مقدماتی کتبی
است ماده ۸۰ از قانون اصول محاکمات جزایی
و مواد ۸۴، ۸۰ و ۷۱ آیین دادرسی کیفری
مصوب ۷۸ و ماده ۲۱۲ قانون آیین دادرسی
کیفری ۹۲ اشعار بر این موضوع دارند یا زمانی

که مقام قضایی در حال پرس و جو از متهم است
ممکن است متهم سکوت کند دلایل سکوت
متهم ممکن است به شرح زیر باشد:^۱

۱- ممکن است متهم شخص پرس و جو
کننده را مرجع منصف نداند

۲- متهم نمی خواهد در خصوص گناه ارتكابی
سخنی بگوید و آن گناه را افشا کند

۳- ممکن است سکوت متهم به دلیل وضعیت
جسمی او عنوان به مثال کر و لال باشد

۱ دکتر اسمعیلی، علی اکبر، تقریرات آئین دادرسی کیفری، دانشگاه آزاد

تحقیقات مقدماتی باید به صورت کتبی باشد و باید تدابیر قضایی اتخاذ گردد تا اظهارات متهم در صورتمجلس قید شود که مواد ۱۰۵، ۵۹، ۵۸، ۱۱۵، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مواردی از این قبیل می باشد. ماده ۱۰۵ بیان می دارد: ((بازپرس تقاضای دادستان را اجرا در صورتمجلس قید می کند)) و همچنین ماده ۵۸ بیان می دارد: ((ضابطان دادگستری هنگام ورود به منازل مراتب را در صورتمجلس قید می کنند)) در حقیقت تحقیقات مقدماتی به صورت کتبی ترتیبات و تشریفات دارد که از بسم الله تا آخر باید همه ترتیبات رعایت گردد.

بند دوم : غیر ترافیعی بودن

غیر ترافیعی بودن تحقیقات یعنی عدم رویارویی طرفین با یکدیگر و تحقیق جداگانه از آن ها و سایر افراد. در نظام دادرسی تفتیشی؛ غیر ترافیعی بودن تحقیقات مقدماتی عدم تساوی جایگاه متهم و شاکی و عدم امکان رویارویی آنها برای مباحثه و ارائه دلایل بود. متهم نمی توانست از دلایل اتهام آگاه شده و آنها را مورد مناقشه قرار دهد یا تحقیق خاصی را درخواست نماید و فقط می بایست به سوالاتی که از او میشد پاسخ دهد. اما این ویژگی نیز هم اکنون تا حد

زیادی تعدیل شده است و امروز سخن از اصل
برابری سلاح ها به میان می آید که به موجب آن
در فرآیند کیفری طرفین باید از امکانات و
شرایط مساوی برای اثبات ادعای خود برخوردار
باشند. این حال با وجود غیر ترافیعی بودن
تحقیقات حق متهم مبنی بر درخواست انجام
تحقیق خاص یا استماع شهادت شهود، حق
درخواست نظریه کارشناسی و اعتراض به نظر او
یا حق به همراه داشتن وکیل در هنگام تحقیق از
او از جمله حقوقی است که برای متهم شناخته

شده و تحقیقات را به سوی ترافیکی شدن و تامین
بیشتر حقوق متهم هدایت کرده است.^۱

بند سوم: غیرعلنی بودن

اصولاً محاکمات علنی انجام می شود اصل
۱۶۵ قانون اساسی و معنای آن این است که
افرادی که سمتی در پرونده مورد رسیدگی
ندارند، حق شرکت در جلسه دادگاه و مشاهده
جریان دادرسی را دارند. با این حال علنی بودن
اختصاص به جلسات رسیدگی دادگاه داشته و
شامل جلسات تحقیقات مقدماتی در دادسرا نمی

۱ خالقی، علی، پیشین، ص ۱۶۸

شود.. بدین ترتیب منظور از غیر علنی بودن تحقیقات مقدماتی این است که غیر از افرادی مانند متهم و شاکی و وکلای آنها یا کارشناسی و شاهد و مطلع حضور آنها لازم دانسته شده و سوی مرجع تحقیق برای ارائه توضیحات احضار می شوند دیگران حق حضور در جلسات تحقیقات مقدماتی را ندارند به عبارت دیگر در هنگام انجام تحقیقات مقدماتی در اتاق مرجع تحقیق به روی عموم بسته است. در بعضی از محاکمات علاوه بر اینکه علنی هم هست هیئت منصفه پیش‌بینی شده است که آن محاکمه نیز با گروهی از متخصصین و اهل فن مردم برگزار

می شود تا همچنان آن عدالت قضایی محقق شود مثل دادرسی در خصوص جرایم مطبوعاتی و سیاسی. هیات منصفه شامل عموم مردم معلمین، مهندسین، جامعه دانشگاهی، اساتید، سیاسیون و غیره هستند تا چنانچه جامعه تشخیص داد عمل شخص جرم سیاسی است وارد شود و با آن برخورد نماید و این هیئت منصفه است که بر بیگناهی یا گناهکاری شخص اظهار نظر می کنند.^۱

۱-هدف از غیر علنی بودن

الف: تسهیل در رسیدگی

تحقیقات با سرعت و با رعایت اصل سرعت
پیش می‌رود

ب: جلوگیری از فشار افکار عمومی

به جهت جلوگیری از تشویش افکار عمومی و
اینکه یک جرم ممکن در ذهن مردم تاثیر بگذارد
و این تاثیر احتمال دارد قاضی را نیز مورد تاثیر
قرار دهد و به جهت جلوگیری از این تشویش
باید صورت غیر علنی برگزار گردد

پ: جلوگیری از تهمت و برچسب خوردن به

افراد

به جهت آنکه هنوز جرم مشخص به اثبات نرسیده و برای جلوگیری از اتهام نخوردن و پیش‌داوری جامعه دادگاه‌ها باید بصورت غیرعلنی برگزار گردند.

اصل بر علنی بودن محاکمات است و غیر علنی بودن استثنایی بر آن است و علنی بودن تحقیقات مقدماتی توجیه دارد گروهی آن را پذیرفتند و مواردی که باعث تقویت علنی بودن محاکمه می‌شود به شرح زیر است:

۱- حضور تماشاچی در جلسات تضمین بهتر

برای اجرای عدالت است :

در این مورد مردم خود شاهد یک محاکمه بی طرفانه هستند و متهم دلایل را ابراز کرده و قاضی با استماع آن اتخاذ تصمیم می کند.

۲- تضمین حقوق دفاعی متهم است:

که در معرض افکار عمومی است و قاضی با مشاهده دلایل بررسی می نماید آیا بر اساس قانون قضاوت کرده است؟ و مردم این قضاوت را مورد سنجش قرار می دهند

۳- استحکام قضایی:

وقتی قاضی بدنند که چشم مردم نظاره گر اعمال قاضی قاضی سعی می کند احکام مطمئن

صادر کنند و همین باعث می شود احکام قضایی استحکام داشته باشد.

۴- کمتر مورد تعدی و تفریط قرار می گیرد

۵- مصلحت جامع مقتضی می کند که تحقیقات علنی باشد

چرا که جامعه به دنبال آرامش است و اگر در جامعه آرامش نباشد اختلالات روانی ایجاد می کند و آرامش را نیروی انتظامی و دستگاه قضایی ایجاد کرده. آرامش یعنی اینکه مردم از بعد روانی بدانند که جامعه امن است

۶- جریان دادرسی به بطن جامعه منتقل می شود و مردم بصورت روزانه اخبار دادگاهها را پیگیری می کنند

بند چهارم: محرمانه بودن

منظور از سری بودن یعنی هیچیک از اشخاص از محتویات تحقیقی اطلاعی نداشته باشد^۱ و تحقیق و تعقیب ممکن است به متهم و وکیل او سری باشد اما نسبت به شاکی سری نباشد متهم نمی تواند از پرونده فتوکپی بگیرد اما شاکی می تواند. در نتیجه سری بودن نسبت به متهم و شاکی یکسان نیست منظور از سری بودن نسبت

۱ خالقی، علی، ۱۳۹۴ پیشین، ص ۱۷۰

به همه افراد نیست بلکه متفاوت است دسترسی به پرونده نتایجی دارد دسترسی شاکی به پرونده هدف رسیدن سریع به حق خود اوست اما متهم در صورت مطلع شدن از محتویات پرونده می خواهد ادله جرم را مخفی کند یا معدوم نماید.

گفتار سوم: ویژگی های تعقیب

ویژگی های تعقیب نیز تقریباً همان است که در ویژگی های تحقیق بیان گردید با این تفاوت که در تعقیب توسط دادستان یا مدعی العموم ابتدایاً باید جرمی رخ دهد سپس کشف گردد و

دادستان نسبت بدان تعقیب را آغاز نماید که در آتی مفصلاً به آن میپردازیم.

گفتار چهارم : مقدمات تعقیب و تحقیق

باید اول جرمی رخ دهد که بتوانیم تعقیب و تحقیق را شروع کنیم و تا زمانی که عملی خلاف قانون انجام نشود جرمی ارتکاب نیافته است در کلام ساده باید گفت آیین دادرسی کیفری موضوعیت ندارد زیرا موضوع آیین دادرسی کیفری در رابطه با همین جرم جنایت هاست بعد از اینکه جرمی رخ دهد اشخاصی به نام ضابط مامور هستند که ماوریتهای خود را در

راستای کشف جرم و جلوگیری از فرار متهم انجام دهند که قانونگذار از ماده ۲۸ الی ۶۳ قانون آد ک ۱۳۹۲ به این بخش اختصاص داده است. این ضابطان از حیث وظایفی که دارند زیر نظر مقامی به نام دادستان انجام وظیفه می کنند. ۱

در خصوص کشف جرم باید گفت تعداد زیادی از جرایم در جامعه اتفاق می افتد که خیلی از آن جرایم کشف نمی شوند به این جرایم که رقم آنها خیلی زیاد است رقم سیاه جرم گفته می

شود و زیادی رخم سیاهی بعضا نشانه عدم کارایی دستگاه قضایی کیفری بوده و این هم در نهایت عدم امنیت در جامعه را در پی خواهد داشت بعد از اینکه جرمی رخ داد باید به تعقیب و شناسایی متهم پرداخت. البته به نظر می‌رسد بهتر بود اول تحقیقات مقدماتی را انجام داده سپس به تعقیب متهم پرداخت اما به هر حال بعد از اینکه به تعقیب و تحقیق متهم پرداختیم یکسری قرائن و امارات جرم توسط فلان شخص انجام شده به دست می‌آوریم و احتمال می‌دهیم که این جرم توسط این شخص انجام شده است تا این مرحله نام این شخص متهم است و کسی

که متهم به انجام دادن یک جرم است هنوز مجرم نیست نباید او را به دید یک شخص مجرم نگاه کرد چرا که هنوز مجرمیت وی ثابت نشده بلکه فقط و فقط احتمال ارتکاب جرم توسط این شخص وجود دارد. بر اساس قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ با اصلاحات بعدی تشکیل پرونده مقدماتی و جمع آوری دلایل و اظهار نظر در مورد گناهکاری یا بیگناهی متهم به عهده قاضی مخصوص محول شده است این قاضی مخصوص در جرایم مهم صرفاً بازپرس می باشد که در قانون اصول تشکیلات